

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل ها و مواضع رسانه ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / مذاکره با آمریکا قطعاً منتفی است (۳)

«منافع ملی» نیز موضوع دوم و مهم تأثیرگذار در روابط بین ملت‌ها است. اما «مسئله اینجا است که منافع ملی را چه جوری تعریف کنیم، چه جوری شناسایی کنیم؛ چه چیزی را واقعاً منافع ملی بدانیم و چه چیزی را نه. آن نکته‌ی اساسی که مورد نظر بنده است و می‌خواهم عرض بکنم، این است که منافع ملی آن وقتی منافع ملی هستند که با هویت ملی ملت ایران، با هویت انقلابی ملت ایران در تعارض نباشند. آن وقتی منافع واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند، و آنگاه آنجایی که ما چیزی را به‌عنوان منافع ملی در نظر می‌گیریم لکن هویت ملی را پایمال می‌کنیم.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۱۵ / چهارشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۸

عادت اصلاح طلبان

صبح نو: اصلاح طلبان در شورای شهر تهران رویکرد بهانه‌جویانه خود را که میراثی از سنت اصلاحات در دو دهه اخیر است، ادامه می‌دهند. آن‌ها باید دو سال دیگر پاسخگوی عملکرد خود در شهر تهران باشند، به‌واسطه اینکه نشانی مهم جز اسم چند خیابان از خود بر جای نگذاشته‌اند، مجبور هستند با حمله به مدیریت گذشته تهران از پاسخگویی فرار کنند. اصلاح طلبان قبل از هر چیز باید نسبت خود را با مدیران شهر در دو سال گذشته روشن کنند. بزرگ‌ترین انتقاد به آنها تغییر دو شهردار طی دو سال بوده است؛ عملکردی که رگه‌هایی از تاریخ شورای شهر اول را به ذهن متبادر می‌کند. سؤال دیگری که باید آن‌ها پاسخ دهند، نوع عملکردشان در تهران است؛ آن‌ها تا چه حد توانسته‌اند برای مشکلات تهران راه‌حل بیابند و تا چه میزان به حل آن اقدام کنند. به جای پاسخ به این سؤالات، اصلاح طلبان راه فرار به جلو را انتخاب کرده‌اند و تاختن بر گذشته، مدیریت شهر را پیش می‌برند. در این میان مردم بهترین داور برای مدیریت شهری هستند و قطعاً تحت تأثیر فضا سازی اصلاح طلبان قرار نمی‌گیرند. آنچه در نهایت در تاریخ سیاست می‌ماند، بهانه‌جویی اصلاح طلبان پس از کسب قدرت برای پاسخ‌ندادن به عملکرد است.

مقاومت، غرب را سر میز نشاند

رسالت: چیزی به برداشتن گام سوم باقی نمانده و حرف‌وحدیث‌هایی از مذاکره مجدد به گوش می‌رسد. این بار با اصرار و درخواست مستمر ماکرون که تلاش دارد نقش واسطه‌گری را ایفا کند صحبت از مذاکره و توافق جدید به گوش می‌رسد. فارغ از اینکه آیا مذاکره مجدد نتیجه‌ای در پی خواهد داشت یا نه این امر ناشی از مقاومت و اقتدار جمهوری اسلامی و همراهی مردم و مسئولین است و گرنه از صرف مذاکره‌ای که به تضمین امضای کری بود، چیزی عاید کشور نشد.

اسقاط پهباد و توقیف نفت‌کش، روش و زبان دیپلماسی امروز است که ناشی از مقاومت و عزت است. حالا که مقاومت، غرب را وادار به عقب‌نشینی در برابر جمهوری اسلامی کرد باید دقت کرد این بار با رعایت خطوط قرمز و حدود و ثغوری که رهبر انقلاب تعیین و تبیین می‌کنند گام برداشته شود تا تجربه تلخ تکرار نشود. دیپلماسی مقاومت همان چیزی است که زبان مذاکره امروز است و گرنه قلدلرهای غربی، جز به تسلیم و سازش راضی نمی‌شوند و گام‌به‌گام پیش می‌آیند. ایران اسلامی در برداشتن گام‌های خود نباید تردید کند؛ همین گام‌ها ثمن معامله با غرب است؛ همان‌طور که در

مذاکرات پیشین، قدرت و پیشرفت هسته‌ای ثمن معامله بود که البته به کمترین قیمت مبادله شد و توافق نامتوازی شکل گرفت. حالا که این دولت، مشی و مرامش مذاکره به هر قیمت است لاف‌باز ابتدائیات معامله و مبادله را رعایت کند تا قیمت گام‌ها به درستی حساب شود.

اما این بار همه زندگی و معیشت مردم را به مذاکره و توافق گره نزنید. حل مشکلات این مملکت در گرو کار جهادی است. ثروت اصلی ایران، جوانانی هستند که مخاطب حقیقی بیانیه گام دوم هستند. راه‌هایی که طی شدنی است را آنها می‌روند و گرنه به هر دلیلی با بازگشت تحریم‌ها دوباره کشور به مشکل می‌خورد. ریشه مشکلات را باید حل کرد و گرنه مسکن موقتی به اسم رفع تحریم که البته به آن خوشبین نیستیم، مسئله ما را حل نمی‌کند. رونق تولید با مذاکره، مصالحه و امثال ذلک به دست نمی‌آید؛ رونق تولید با همت و عزم و ریل‌گذاری مسئولان و همراهی و تلاش مردم محقق خواهد شد.

ایران و دوستان دوران سخت

خراسان: همزمان با به اوج رسیدن مذاکرات ایران و فرانسه درباره برجام، ظریف در سفرهای اخیر خود به روسیه و چین نیز رفت؛ در پکن از پیشنهاد «روابط راهبردی ۲۵ ساله» گفت و در مسکو از «دوستان دوران سخت» تقدیر کرد. به نظر می‌رسد در حالی که مذاکرات درباره حفظ برجام با فرانسوی‌ها به جزئیات ریز رسیده، این سفرهای ظریف تلاشی برای ارسال پالس‌های مثبت به شرکای قدیمی و دایمی ایران است. به خصوص این که به نظر می‌رسد روسیه و چین درباره مذاکرات ایران و فرانسه که ۲-۳ ماهی می‌شود در جریان است، مشارکت فعالانه‌ای ندارند و حداقل موضع‌شان بیشتر سکوت است.

تجربه دوره برجام زمانی که پس از توافق، بیشتر تخم مرغ‌های ایران در سبد اروپا چیده شد و به حاشیه رفتن چین و روسیه در مراودات اقتصادی و مالی این دوره و بازگشت به سوی چین و روسیه پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، این ابهام را پررنگ می‌کند که با فرض محال که مذاکرات با فرانسه به یک توافق برای حفظ برجام منجر شود آیا بازهم چین و روسیه در دیپلماسی اقتصادی ایران جایگاهی مانند دوره برجام خواهند داشت؟

البته در ایران برخی طیف‌های سیاسی غرب‌گرا مخالف ارتباط نزدیک با روسیه و چین هستند و عمدتاً به غلط روسیه را همان روسیه دوره تزاری تصور می‌کنند. برخی دیگر از تحلیل‌گران ایران نیز در تعبیری که زیاد تکرار می‌شود می‌گویند که روسیه «از کارت ایران» در عرصه بین‌المللی استفاده می‌کند. در روسیه هم البته برخی تصمیم‌سازان هستند که خیلی موافق قرابت تهران و مسکو نیستند، استدلال‌شان نیز این است که هرگاه ایران از سوی غرب چراغ سبز ببیند به سوی اروپایی‌ها می‌چرخد. به همین دلیل برخی تحلیل‌گران روسی ایران را شریکی پایدار برای خود نمی‌دانند.

با علم به این که هر کشوری در عرصه بین‌المللی منافع خود را دنبال می‌کند و ایران با روسیه و چین در حوزه‌هایی که چه بسا بسیار مهم هم هستند، اختلاف‌های جدی دارد (مثلاً بر خلاف دوستی دیرینه تل‌آویو و مسکو، رژیم صهیونیستی اصلی‌ترین تهدید در منطقه علیه ایران است) و نیز با توجه به این که حتی چینی‌ها و روس‌ها نیز در حوزه‌هایی به آن چه باید عمل می‌کردند عمل نکرده‌اند، اما هم تجربه نشان داده که دیپلمات‌های دو کشور می‌توانند میان این منافع و اختلاف‌ها توازن مثبت برقرار کنند و هم قرابت موضع با چین در محافل بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز همجواری جغرافیایی و همکاری‌های نزدیک نظامی و امنیتی با روسیه در سوریه، این گزاره را پررنگ‌تر می‌کند که در شرایط

مختلف، چه تحریم های غرب علیه ایران اعمال شده و چه لغو، روابط با این دو کشور نباید تابعی از در باغ سبز غرب باشد.

به همین دلیل به نظر می رسد، در صورتی که گشایشی در مراودات ایران و اروپا بر سر برجام رخ دهد، یکی از مهم ترین راهبردهای ایران و دستگاه سیاست خارجی کشورمان باید توجه به دوستان و کشورهای باشد که اشتراکات بیشتری باهم دارند. تجربه برجام و پشت کردن شرکت ها، بانک ها و حتی دولت های اروپایی به ایران نشان داد که روابط ایران با روسیه و چین حتی اگر به «اتحاد استراتژیک» نرسد و در سطح «همکاری استراتژیک» یا «مشارکت استراتژیک» باشد، بازهم اشتراکات و منافع یکسان میان سه کشور این الزام را پررنگ می کند که حداقل در شرایط یکسان که باید بین اروپایی ها و روسیه یا چین یکی را انتخاب کنیم، اگر انتخاب مان دوستان قدیمی باشد، احتمال پایداری همکاری ها و منتفع شدن از این مراودات بیشتر خواهد بود.

قاطرسواری در بغداد مذاکره در پاریس

کیهان: در بغداد مردی قرض بسیار برعهده داشت و مفلس شده بود. قاضی دستور داد که هیچ کس به او وام ندهد و اگر داد صبر کند و طلب نکند. و همین طور دستور داد او را بر قاطری بنشانند و در شهر بگردانند تا مردم او را بشناسند و از معامله با وی پرهیزند. وی را تا غروب آفتاب در شهر گردانند و سپس به در خانه اش بردند. وقتی از قاطر پایین آمد، صاحب حیوان گفت: کرایه مرا بده! مرد مفلس گفت: بنده خدا! از صبح تا حالا مشغول چه بودیم؟!

حکایت فوق، حکایت رقیقی از ماجرای میان دولت محترم و غربیان است. فردا سومین مهلت ۶۰ روزه ایران به اروپا برای عمل به تعهدات برجامی خود پایان می یابد و نوبت سومین گام کاهش تعهدات توافق هسته ای فرا می رسد. مجموعه رخدادهای دو هفته اخیر از منظرهای مختلف قابل تأمل است. فرانسه که در ایام مذاکرات هسته ای نقش پلیس بد را برعهده داشت، اکنون معرکه گردان ماجرا شده است و خود را منجی برجام جا می زند. کدام برجام؟ همان توافقی که یک سال و نیم از خروج آمریکا از آن و عمل نکردن اروپا به حتی یک مورد از تعهدات خود در آن، می گذرد. جالب آنجاست که هرچه پیش می رویم، وعده ها کوچک تر و توخالی تر و خواسته های غرب بزرگ تر و عینی تر می شود.

دولت با اروپایی مشغول چانه زنی و مذاکره است که کمترین اختیار و اعتباری ندارد و برای کوچک ترین تصمیم ها و گام ها باید با واشنگتن هماهنگ شود. این تازه روی خوشبینانه ماجراست و اگر بخواهیم واقع بینانه به صحنه نگاه کنیم، چیزی جز بازی هماهنگ آمریکا و اروپا نیست. کسی می تواند نقش داور و میانجی را در یک دعوا بازی کند که خود بخشی از دعوا نباشد. اروپایی که خود یک سوی ماجرا بوده و بدهکار ایران است، چگونه می تواند چنین ادعایی داشته باشد؟ ردای میانجی گری بر تن الیزه زار می زند.

فرانسه گمان می کند ایران فروشنده ای گرفتار و عجول است که می توان منافع ملی آن را به ثمن بخش خرید. این نگاه توهم آمیز را می توان به وضوح در ماجرای ضیافت شام چهار سال پیش در سفارت این کشور در تهران مشاهده کرد. اواسط بهمن ماه سال ۱۳۹۵ در بدو ورود «ژان مارک آیرو» - وزیر خارجه وقت فرانسه - به تهران، ضیافت شامی در سفارت این کشور و به افتخار وزیر خارجه و تجار همراه وی از سوی سفیر فرانسه برگزار شد که با حواشی خاصی همراه بود. در میانه میهمانی و پس از سخنرانی آیرو، یکی از تجار فرانسوی وی را مورد خطاب قرار داده و می پرسد: «جناب وزیر چرا این سفر دقیقاً در روزی انجام شد که فرانسه به همراه انگلیس و آمریکا در خلیج فارس و در نزدیکی

آب‌های ایران مانور نظامی که طبیعتاً پیام‌های خاصی دارد، برگزار کرده‌اند؟ آیا فکر نمی‌کنید این مسئله روی روابط تجاری ما با ایران تأثیر بگذارد و نتوانیم در این سفر قرارداد خاصی منعقد کنیم؟ شما از واکنش مقامات ایرانی نگران نیستید؟» وزیر خارجه فرانسه در پاسخ می‌گوید: «خیر، بنده هیچ نگرانی نسبت به موفقیت‌آمیز بودن این سفر ندارم. مقامات ایرانی در هیچ یک از جلسات مقدماتی و برنامه‌ریزی برای سفر در تهران و پاریس به این مسئله معترض نشدند. دولت ایران به این سفرها احتیاج دارد و مطمئنم که هیچ اعتراضی در جلسات فردا هم نخواهیم شنید.»

اوضاع وخیم ترامپ در نظرسنجی‌های انتخاباتی

الف: نتایج نظرسنجی سراسری جدید انجام شده از سوی دانشگاه امریکایی کوئینپیاک نشان می‌دهد، جو بایدن معاون رئیس جمهوری سابق آمریکا، سناتور الیزابت وارن از ماساچوست، برنی سندرز سناتور اهل ورمونت، سناتور کاملا هریس از کالیفرنیا و پیت بوتجیج از ایندیانا همگی با اختلافی شدید از دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیشی گرفته‌اند.

بر اساس نتایج این نظرسنجی، بایدن با ۵۴ درصد در مقابل ۳۸ درصد از ترامپ جلوتر است و بوتجیج با ۴۹ درصد در مقابل ۴۰ درصد از رئیس جمهوری کنونی آمریکا پیشی گرفته است. این در حالی است که یک سال تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ باقیست. نتیجه نظرسنجی مذکور، بدترین نتیجه‌ای است که یک رئیس جمهوری آمریکا به دست آورده است؛ زیرا هیچ رئیس جمهوری در آمریکا، تاکنون تا این اندازه نتیجه‌ای ضعیف در نظرسنجی‌های پیش از برگزاری انتخابات به دست نیاورده است.

عملکرد سوء ترامپ در سیاست خارجی و نیز ضد مهاجران و تنش تجاری با چین و اروپا، موجب نارضایتی روزافزون مردم آمریکا از وی شده است. پایگاه خبری هیل نیز گزارش داد، حزب جمهوریخواه آمریکا با کاهش حمایت حاشیه نشینان از این حزب در انتخابات میان دوره‌ای گذشته، از ادامه این روند و تهدید رای آنان علیه دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نگران هستند. حاشیه نشینان یکی از گروه‌های مهم در بین رای دهندگان هستند اما از زمان ورود ترامپ به کاخ سفید، محبوبیت وی نزد این گروه به شدت کاهش یافته است. جمهوری خواهان با توجه به اقدامات و اظهارات جنجال برانگیز ترامپ، با چالش بزرگی برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ مواجه هستند. نظرسنجی هفته گذشته «ان بی سی نیوز» و «وال استریت ژورنال» نشان داد ۶۳ درصد از زنان سفیدپوست دارای تحصیلات دانشگاهی، در انتخابات ۲۰۲۰ به یک نامزد دموکرات رای می‌دهند و فقط ۳۰ درصد از آنها گفته‌اند که ممکن است از ترامپ حمایت کنند.

